



زندگی امام سجاد(ع) از منظر رهبر انقلاب

امام زین العابدین(ع) برای نظام حکومتی مورد نظر خود که حکومت علوی و الهی و اسلامی بود، تبلیغ و فرهنگ سازی می کرد.

حضرت آیت الله خامنه ای در کتاب 'پژوهشی در زندگی امام سجاد(ع)' ضمن بررسی زوایای سیاسی زندگی امام چهارم(ع) می نویسند: امام زین العابدین(ع) برای نظام حکومتی مورد نظر خود که حکومت علوی و الهی و اسلامی بود، تبلیغ و فرهنگ سازی می کرد.

رهبر معظم انقلاب در این کتاب که در سال 1361 منتشر شد، ابعاد مختلف زندگی امام سجاد (ع) را مورد بررسی قرار داده اند و به مناسبت بیست و پنجم محرم، سالروز شهادت علی بن الحسین (ع)، زندگی سیاسی آن امام را به قلم معظم له مرور می کنیم که در پی می آید:

برخی مطالب امام سجاد(ع) در روش موعظه، خطاب به عموم مردم و برخی دیگر خطاب به شیعیان است. در آنجا که مخاطب، همه مردم هستند اولاً غالباً به آیات قرآن استناد می شود و ثانیاً صریحاً دستگاه حکومتی مورد عتاب و انتقاد قرار نمی گیرد و صرفاً بیان اندیشه و ایدئولوژی اسلامی به صورت پند و نصیحت است.

** موعظه های عمومی

استناد به قرآن کریم از آن نظر ضروری بود که عموم مردم، معرفت کافی نسبت به امام سجاد (ع) نداشتند و استدلال می طلبیدند و پرهیز از انتقاد صریح نیز برای رعایت تقیه بود.

آن حضرت سخن را با لحن موعظه به این صورت آغاز می کند که 'ایها الناس اتقوا الله واعلموا انکم الیه راجعون'، تقوای خدا را پیشه کنید و بدانید که به سوی خدا برمی گردید و سپس می فرماید 'بدان که وقتی نکیر و منکر به سراغ تو می آیند، اولین چیزی که آن دو می پرسند، از خدای توست که او را عبادت می کردی، از پیامبری که به سوی تو فرستاده شده، از دینت که به آن معتقد بودی و از کتابت می پرسند که آن را تلاوت می کردی.'

آنگاه امام سجاد(ع) به نکته اصلی و محوری می رسد و می فرماید 'و عن امامك الذی كنت تتولا'، از امامی که تو ولایت آن را داری، می پرسند. در زبان و بیان ائمه (ع) مساله امامت یعنی مساله حکومت و در اینجا فرقی بین مساله امامت و مساله ولایت نیست.

امامی که در اینجا ذکر می شود، یعنی جانشین پیامبر که هم متکفل ارشاد و هدایت دینی توست و هم متکفل هدایت و ارشاد امور زندگی در دنیا و امام یعنی رهبر جامعه. پس اطاعت از امام که واجب است، هم در امور دنیوی و هم در امور دینی واجب است.

امام سجاد (ع) وقتی می فرماید 'از تو درباره امامت می پرسند'، یعنی به تو می گویند که آیا امام درستی انتخاب کردی و آن کسی که بر تو حکومت می کند و رهبر جامعه است، آیا به راستی انتخاب کردی؟ آیا خدا به امامتش راضی است؟

امام(ع) با این روش آرام و موعظه آمیز، مردم را درباره مساله امامت، بیدار و حساس می کند، در حالیکه بنی امیه اساساً میل نداشت که بحثی درباره امامت و حکومت شود.

در مورد موعظه های عمومی امام سجاد(ع) باید دو نکته را مورد توجه قرار داد: اول، این بحث ها صرف آموزش نیست بلکه بیشتر از آنکه تعلیم باشد، تذکر و یادآوری است. زیرا در آن زمان، انحراف و تحریف در اصول دین واقع نشده بود ولی مردم فراموش کرده بودند. یعنی زندگی مادی، توحید و نبوت و معاد را از یادشان برده بود.

دوم، امام سجاد (ع) بر اساس همان خط مشی کلی و هدف نهایی که قبلاً ذکر شد، (تشکیل حکومت اسلامی به روش اهل بیت) بر مساله امامت تاکید خاص دارد.

امام زین العابدین (ع) در موعظه های عمومی خود نیز مساله ولایت و امامت و حکومت را یادآوری می کرد. البته به صورتی که

حساسیت دشمن برانگیخته نشود و در عین حال، مردم متنبه شوند.

** موعظه های اختصاصی

موعظه های اختصاصی امام سجاد (ع) آن مواعظی است که خطاب به شیعه صورت گرفته است و کاملاً مشخص است که مخاطبان، از مخالفان دستگاه حاکم هستند. این موعظه ها برای کادرسازی است تا در صورت ایجاد حکومت اسلامی، مسوولیت های مهم را برعهده بگیرند.

یک نمونه از این موعظه های اختصاصی در کتاب 'تحف العقول' ذکر شده و چنین آغاز می شود: 'کفانا الله و ایاکم کید الظالمین و بغی الحاسدین و بطش الظالمین ایها المومنون' خود این خطاب نشان می دهد که امام و مخاطبان، در این جهت با هم شریکند که مورد خطر و تهدید دستگاه حاکم هستند.

سپس امام می فرماید: طاغوت ها و پیروان دنیاپرست آنها، شما را فریب ندهند. این حوادثی که در زندگی شب و روز برای شما - در دوران خفقان و مبارزه - پیش می آید، دل ها را از نیت و جهتی که دارند، باز می دارد و از آن انگیزه و نشاط لازم برای مبارزه می کاهد و هدایت موجود را از یاد می برد و شناخت اهل حق را به فراموشی می سپارد.

امام سجاد (ع) سپس موعظه می کند و هشدار می دهد که از همنشینی با گنه کاران بپرهیزید و ظالمان را یاری نکنید. روشن است که امام (ع) عده ای از مومنین و هواداران را جمع کرده و با روش موعظه، آنها را دلگرم و امیدوار می کند و از نزدیک شدن به دستگاه ستمگر زمان (عبدالمک بن مروان) منع و نهی می کند و آنها را برای روزی که وجودشان بتواند در راه حکومت اسلامی مؤثر واقع شود، شاداب و با طراوت و سرزنده نگه می دارد.

امام چهارم (ع) با یادآوری تجربه های گذشته پیروان اهل بیت (در قیام عاشورا، واقعه حره، شهادت حجر بن عدی و...) می خواست شیعه را در مبارزه ثابت قدم تر گرداند. لذا می فرماید: به جان خودم قسم! شما از جریان های گذشته در دوران های پیشین که پشت سر گذاشته اید، از فتنه های انباشته و متراکم و غرق شدن در این فتنه ها تجربه هایی را می توانید از آن آزمایش ها استفاده کنید و بر اجتناب از گمراهان و اهل بدعت ها و مفسدین در زمین راه یابید.

امام سجاد (ع) در اینجا به صراحت، مساله امامت و ولایت را مطرح می کند: فرمان خدا و اطاعت او را مقدم بدارید و همچنین اطاعت کسی را که خدا، اطاعت او را واجب کرده است. اطاعت طاغوت ها -عبدالمک بن مروان ها - را بر اطاعت خدا و اطاعت رسول خدا و اطاعت اولوا الامر واقعی مقدم نکنید.

امام زین العابدین (ع) با این بیان، در حقیقت برای نظام حکومتی مورد نظر خود که حکومت علوی و الهی و اسلامی بود، تبلیغ و فرهنگ سازی می کرد.

** رساله حقوق امام چهارم (ع)

رساله حقوق امام سجاد (ع)، نامه بسیار مفصلی به اندازه یک کتاب است که به یکی از دوستانشان نوشته اند و در آن حقوق افراد و اشخاص بر یکدیگر بیان شده است.

در این رساله، علاوه بر حقوق الهی و اعضاء و جوارح و همسایه و خانواده، حقوق متقابل مردم و حاکم اسلامی نیز بدون ایجاد تنش و به صورت آرام و بدون ذکر مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی در آینده، بیان شده است.

در واقع این رساله برای آن تالیف شده است که اگر در آینده حکومت اسلامی مورد نظر امام سجاد (ع) تشکیل شد، مناسبات و روابط و حقوق متقابل مردم و حاکم اسلامی، قبلاً در ذهن مسلمانان شکل گرفته و معلوم شده باشد.

** پاسخ امام به 'محمد بن شهاب زهری'

'عبدالمک بن مروان' آنقدر تلاوت قرآن می کرد که یکی از قاریان قرآن شناخته شده بود اما وقتی به او خبر دادند که به خلافت و حکومت رسیده، قرآن را بوسید و کنار گذاشت و گفت 'هذا فراق بینی و بینک' یعنی 'دیدار به قیامت!' حقیقت هم همین بود، او دیگر به قرآن مراجعه نمی کرد و البته حفظ ظاهر را می کرد و هرگز آشکارا با اندیشه های اسلامی مخالفت نمی کرد.

عبدالملك بن مروان برای حفظ ظاهر و توجیه ستمگری ها و جنایت هایش نیاز به عالمان درباری داشت و یکی از این عالمان، 'محمد بن شهاب زهري' است.

او در دستگاه حکومت قرب و منزلت بسیاری داشت، به طوری که نوشته اند يك بار محمد بن شهاب وارد مسجد الحرام شد و هیات حاکمه آنقدر برای او تشریفات چیده بودند که عالمان و محدثان حاضر در مسجد همگی دچار شگفتی شدند.

معمر می گوید: ما خیال می کردیم که از زهري حدیث بسیاری نقل کرده ایم تا اینکه ولید (فرزند عبدالملك بن مروان) کشته شد. پس دفترهای زیادی را دیدیم که بر چارپایان حمل و از خزانه ولید خارج می شد و می گفتند که اینها دانش زهري است. یعنی زهري آنقدر کتاب و دفتر بنا به خواسته دستگاه دولت اموی، از حدیث پرکرده که برای حمل آن نیاز به چارپایان است.

پس از آنکه محمد بن شهاب زهري وابسته به دستگاه خلافت شد، حتی برضد امام سجاد (ع) و اهل بیت (ع) نیز حدیث جعل می کرد. از جمله در کتاب 'اجوبة مسائل جلاله' اثر آیت الله 'سید عبدالحسین شرف الدین' دو حدیث مجعول از زهري نقل و نقد شده که در یکی از آن دو، ادعا شده که نعوذ بالله، امیرالمومنین علی(ع) جبری بود! و در دیگری حمزه سیدالشهداء شراب خوار معرفی شده است!

روشن است که زهري با این احادیث دروغین در صدد بود خاندان عصمت را تضعیف کرده و آنان را مسلمانی معمولی و بلکه پایین تر بشمارد و به اصطلاح باید گفت این گونه احادیث مجعول برای ترور شخصیت فکری، فرهنگی و معنوی اهل بیت (ع) بود.

امام سجاد (ع) نامه ای کوبنده و آتشین دارد که در 'تحف العقول' ذکر شده و در آن، محمد بن شهاب زهري و بدعت هایش مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

امام (ع) از جمله در این نامه می فرماید: کسی را به دوستی برگزیدی که محارب با خداست. چیزهایی را که به تو دادند و متعلق به تو نبود، از آنان گرفتی.

سپس امام چهارم (ع) فرمود: بدان، کمترین چیزی که برعهده گرفتی، این است که وحشت ستمگران را تبدیل به راحتی و انس کردی و راه گمراهی را برای آنها هموار ساختی. آیا چنین نبود که وقتی آنها تو را به خودشان نزدیک کردند، از تو محور و قطبی به وجود آوردند که آسیای مظلومه های آنان بر آن قطب می گردد و پلی را ایجاد کردند که از روی آن به سوی کارهای خلافشان عبور می کنند. آنها به واسطه تو در علما شك ایجاد می کردند و دل های جاهلان را به سوی خودشان جذب نمودند.

آنگاه امام سجاد (ع) می فرماید: نزدیک ترین وزرای آنها و نیرومندترین یارانشان به قدری که تو 'فساد' آنها را در چشم مردم 'اصلاحات' جلوه دادی، نتوانستند به آنها کمک کنند!

**** نکته پایانی**

اگرچه امام سجاد (ع) در دوران امامت پربرکت خود - که 34 سال طول کشید - تعرض آشکاری به دستگاه خلافت نداشت، ولی فعالیت های فرهنگی آن بزرگوار و تعلیم و تربیت عناصر مومن و مخلص، بنی امیه را نسبت به آن حضرت بدبین کرد به طوری که به آن امام تعرض هم کردند و دست کم يك بار آن حضرت را با غل و زنجیر از مدینه به شام بردند.

این غل و زنجیری که نسبت به امام سجاد (ع) معروف است، به طور یقین معلوم نیست که در واقعه کربلا باشد اما در دوران امامت و از مدینه به شام، یقینی است. امام سجاد (ع) در موارد متعدد دیگری مورد شکنجه و آزار مخالفان قرار گرفت و سرانجام در سال 96 هجری در زمان خلافت ولید بن عبدالملك، به وسیله عمال خلافت، مسموم شد و به سعادت شهادت رسید.

کتاب 'پژوهشی در زندگی امام سجاد(ع)' نوشته حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای در سال 1361 در 80 صفحه به چاپ رسید.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب